

درس اول

تعلیم، تربیت و تفکر

دکتر علی شریعتمداری

یکی از معیارهای اساسی در انتخاب هدف‌های تربیتی، توجه به تمام جنبه‌های رفتار انسان است. وقتی بحث از تعلیم و تربیت به میان می‌آید، غالباً به الفاظ، محفوظات، گفته‌ها و نوشته‌ها بیشتر توجه می‌شود تا به اعمال و رفتار. در این زمینه، جمله‌ای را از نهج البلاغه نقل می‌کنیم که بسیار شایسته توجه است: **أَوْضِعْ الْعِلْمَ مَا وَقَفَ عَلَى اللِّسَانِ وَارْفَعَهُ مَاظَهَرَ فِي الْجَوَارِحِ وَ الْأَرْكَانِ**: کمترین علم دانشی است که بر سطح زبان توقف کند و والاترین علم دانشی است که در رفتار یا ارکان شخصیت آدمی ظاهر می‌شود.

باید دانست که پاره‌ای از روان‌شناسان یادگیری را عبارت از کسب مهارت‌ها، عادات و معلومات از طریق شرطی شدن می‌دانند. نتیجه این نوع یادگیری، چه در زمینه مهارت‌ها و عادات و چه در زمینه معلومات، کاملاً سطحی و به الفاظ و محفوظات محدود است. گروه دیگری از روان‌شناسان یادگیری را تغییر رفتار از راه تجربه می‌دانند. در این تعریف اولاً تغییر رفتار مطرح است و مراد از رفتار، طرز تفکر، عادات، مهارت‌ها و نحوه تلقی و عمل است. برای این که فرد بتواند رفتار خود را تغییر دهد باید تجربه کند و در جریان تجربه نقشی فعال داشته باشد. در اثر تجربه و فعالیت فرد است که اجزا و ارکان شخصیت او یعنی طرز تفکر، عادات و تمایلاتش تغییر می‌کنند. پس همان‌طور که در گفتار حضرت علی (ع) ملاحظه می‌شود، علم و آموزشی با ارزش است که در ارکان وجود فرد متجلی شود. حضرت علی (ع) در جای دیگر می‌فرماید: **«العلم کالتفکر»**: هیچ دانشی مثل اندیشیدن نیست.

در تعلیم و تربیت مسئله‌ای اساسی مطرح است. آیا هدف از آموزش کسب معلومات یا آشنایی با نظریات علمی است یا پرورش قدرت تفکر؟ پاره‌ای از مربیان تصور می‌کنند هدف مدرسه و هدف تعلیم و تعلم به‌طور کلی احاطه بر مطالب علمی است. بنابراین، در جریان آموزش باید مطالب علمی را به شاگرد آموخت و شاگرد خود می‌تواند بعداً به تفکر اقدام کند. اما باید دانست که چنین نیست، زیرا مطالب علمی در کتاب‌ها تدوین شده‌اند و در دسترس شاگردان هستند. آنچه در جریان تربیت اهمیت دارد پرورش قدرت تفکر است. روی همین زمینه علی (ع) می‌فرماید هیچ دانشی مانند تفکر نیست.

منبع

انتقال به تعلیم و تربیت اسلامی. دفتر اول. تهران. ۱۳۶۰.